

حرف درشت

نهنگ‌صورتی



پوریا عالمی

چیزی‌که الان جهان را نگران کرده، «چالش نهنگ آبی» است‌که افراد با شرکت در آن و در ۵۰ مرحله کلک خودشان را می‌کنند و تمام، اما واقعا جهان دارد به کجا می‌رود؟

این چالش برای ما شوخی است. ۵۰ مرحله‌ای‌که ما ایرانی‌ها همیشه با آن درگیریم و ثابت می‌کند نهنگ آبی برای ما ایرانی‌ها نهایتا یک ماهی کوچولوی آبی است، اینهاست:

- با توجه به میهمانی و سروصدا و دعواهای همسایه‌ها اگر توانستی، به‌موقع بخواب تا صبح زود بیدار شوی.
- از روی آشغال‌ها آنکه جلو در خانه‌ات گذاشته‌اند بپز.
- اگر توانستی یک جای پارک پیدا کن و برو به کارت برس.
- بدون اینکه بمالی یا بهت بمالند سوار مترو شو.
- نفس عمیق بکش... اگر جرئت داری، اینجا هوا همیشه آلوده است.
- اگر نمی‌ترسی، سوار اتوبوس شو و در جاده‌های ایران سفر کن. اگر زنده رسیدی به مقصد، عکسش را برای ما بفرست.
- در صف دستشویی بین‌راه، شش ساعت منتظر بمان و بعد بدون آنکه حالت تهوع بهت دست بده، برگرد بیا سوار ماشین شو.
- یک پرس غذا توی جاده بخور.
- سوار هر خودرو موتاز داخل شو و سالم بیرون بیا.
- بدون اینکه سقوط کنی، سوار پرواز داخلی شو.
- قیمه‌ها را بریز توی ماست‌ها و از میهمانی سالم بیا بیرون.
- اگر دشل را داری، برو خواستگاری و به بابای طرف بگو که شغل‌ت روزنامه‌نگاری است.
- هرطوری دوست داری لباس بپوش و بدون اینکه قلب‌ت بایستد، از جلو ون‌ها رد شو.
- اگر دختر هستی خودت را برسان داخل ورزشگاه و از آنجا عکست را برای ما بفرست.
- اگر می‌توانی، بدون فیلترشکن وارد اینترنت شو. اگر شدی، عکست را سند تو آل کن.
- بدون اینکه حرص بخوری بشین پای تلویزیون. اگر سکتة نکردی، برو مرحله بعد.

۱۷- برو روی پشت بام. اگر همسایه‌ها زنگ نزدند و ۱۱۰ و نگفتند داری مزاحم میشی، با ما تماس بگیر.

۱۸- از محصولات ترارخته‌که در بازار غذایی مثل نقل‌ونبات به وفور یافت می‌شود بخور. اگر منقرض نشدی، عکست را برای ما بفرست.

۱۹- برو به کارفرمای‌ت بگو که حقوق‌ت زیاد کند. اگر اخراج نشدی، از خوشحالی سکتة کن.

۲۰- به کارندها و کارگرهایت بگو باید درست کار کنند. اگر شیشه‌های ماشینت سالم ماند، دیگر این حرف را به کسی نزن.

۲۱- سوار اتوبوس شو و به کناردرستیت بگو کاش حداقل هفته‌ای یک‌بار حمام می‌گردد یا دیگه آبگوشت نمی‌خوردی سر ظهری. اگر بیاز نکرد توی حلق‌ت، خودت ایستگاه بعد پیاده شو و تا مقصد بدو.

۲۲- کتاب بنویس و خیال کن که بدون ممیزی منتشر می‌شود. حتی خیالش را هم نمی‌توانی بکنی. مگر الکی است؟

۲۳- به‌عنوان یک روزنامه‌نگار برو سند برای وثیقه پیدا کن و وقتی سند پیدا کردی به ما خبر بده.

۲۴- مدارکت را کامل کن و برو بانک وام بگیر. اگر وام گرفتی، اصلا صدداش را درنیاور، چون اینها که وام‌بده نیستند و می‌آیند همان را هم ازت پس می‌گیرند.

۲۵- برو بغل سلین دیون، همسایه‌شان شو. یاد باشد برای این کار باید رئیس کل بانک شوی و اختلاس سه‌هزارمیلیاردی کنی.

۲۶- یک ربع یک روزنامه داخلی بخوان و یک ربع یک سایت خارجی. اگر منفرج نشدی با ما تماس بگیر.

۲۷- بعد از چندسال که مواضع ضدبادی در تلویزیون ایران گرفتی، برو سوئیس و سعی کن وسط باد سوئیس تعادلت را حفظ کنی و مراقب شالت باشی که باد نبرد.

۲۸- مطالب و کتاب‌های پوریا عالمی را بخوان و اگر توانستی سکتة نکن.

نهنگ‌صورتی

اگر تا این مرحله را انجام دادی و زنده‌ای معلوم است خیلی پوست‌لکفتی و به این راحتی‌ها کلکت کنده نمی‌شود. پس تو یک هم‌وطن واقعی هستی. به‌عنوان جایزه به ما دایرکت بده تا بهت ۲۰ مأموریت دیگر بدهیم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۶ • ۲۳ ذیحجه ۱۴۳۸ • ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۶۲ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۰ • اذان مغرب ۱۹:۳۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۲ • طلوع آفتاب ۶:۴۷

روزنفرها

کارتون خواب

جلال پیرمرز آباد

"۳۸۰ هزار نفر در دوره متوسطه از تحصیل بازماندند"



زاویه دید

تهران، اگر هر تان نباشد!

مجرای برای آن پیدا نمی‌شود.

- در این چندساله عابران و کارگران بسیاری جان خود را در نتیجه اصابت جرثقیل‌ها یا فروریختن داربست‌ها روی سیم‌های برق و بی‌توجهی ساختمان‌سازان به رعایت قوانین و مقررات ایمنی و در نتیجه برق‌گرفتگی از دست داده‌اند.

- به علت نقض مداوم مقررات راهنمایی و بسته‌بودن خیابان‌ها و پیاده‌روها، همواره حالت اضطراری و موقتی وجود دارد که رعایت مقررات راهنمایی را بی‌معنی می‌کند.

- در محله‌ها و خیابان‌های پرتراфик شمال شهر تهران که بیشترین آماج برج‌سازی بوده‌اند و نیز بیشترین و شلوغ‌ترین مدارس غیرانتفاعی را در خود جای داده‌اند، تقریباً در ۹۰ درصد روزهای سال خبری از آموران راهنمایی برای سروسامان‌دادن نحوه پارک اتومبیل‌ها و نظارت بر اجرای مقررات راهنمایی و عبورمرور ماشین‌های سنگین ساختمان‌سازی وجود ندارد. پارک‌های دوبله و سوبله، به کنار، گاهی هشت ردیف ماشین در کنار هم روبه‌روی در مدارس، به انتظار سوارکردن دانش‌آموزان، پهلو می‌گیرند و هیچ راه عبوری برای اتومبیل‌های گذری باقی نمی‌گذارند.

- روز تهران، پارک ماشین‌ها، در پیاده‌روها و روی خطوط عابر پیاده و پی‌ل‌های روی جوی‌های آب امری بسیار طبیعی به‌شمار می‌آید.

- در همین محله‌های بی‌پیاده‌رو، نظارتی بر بازشدن در پارکینگ‌ها رو به خیابان وجود ندارد، مبدا عابر بخت‌برگشته‌ای هوس کند برای حداقل ایمنی از کنار در و دیوارها عبور کند و به وسط خیابان نبرد. درست است که شورای شهر و شهردار تهران تغییر کرده است،

اما مجوزهای ساختمان‌سازی و برج‌سازی بی‌رویه‌ای که به‌ویژه در این چندساله آخر، با سرعتی نجومی صادر شده، سال‌های‌سال چهره‌ای ناتمام و موقتی به شهر تهران خواهد داد. خطرهایی که در این بی‌قانونی، در پناه مجوزهای ساخت‌وساز قانونی در معابر باریک داده شده، به این زودی‌ها گریبان شهروندان تهرانی را رها نخواهد کرد: مشکلات ترافیکی و خطر سقوط مصالح و سدمعبر و برق‌گرفتگی و آتش‌سوزی و در کنار آن، آلودگی صوتی و آلودگی هوا. البته خطر همیشگی وقوع زلزله را نیز نباید از خاطر دور کرد؛ خطری که تهران نباشده روی کسل‌های زلزله را همواره تهدید می‌کند. بگذریم از اینکه بهتر است اصلا فکر نکنیم به وقوع زلزله یا بلایای طبیعی دیگر، در شهری که در مواقع عادی هم همواره چهره غیرعادی و اضطراری و بی‌قانون دارد.

تهران نیاز به قانون‌مداری دارد. چهره بی‌قانون تهران الگوی شهرهای بزرگ و کوچک دیگر است. کاش تهران هرتان نشده بود.



علیرضا داوودنژاد

به نظر می‌رسد دولت دوازدهم بیش از هر صفت دیگری، باید نقدپذیری را به‌عنوان منشی خود در چهارسال پیش‌رو انتخاب کند؛ خصوصاً آنکه انتخابات ۲۹ اردیبهشت با حضور گروه‌ها و جریان‌های مختلف و متنوع برگزار شد و طبیعتاً، رئیس‌جمهوری که در چنین انتخاباتی، انتخاب شود، عملاً باید خود را به گروه‌ها و طیف‌ها و نظرات مختلف پاسخ‌گو بداند و راه این پاسخ‌گویی، از مسیر افزایش روحیه نقدپذیری در دولت می‌گذرد.

اگر دولت در چهار سال پیش‌رو، اعلام کند که با آغوش باز آماده شنیدن مسائل و مشکلات مردم و حتی اختلاف‌نظرهایشان با بدنه اجرایی کشور است، عملاً فارغ از آنکه با یک واکنش مثبت و همدلانه از سوی

آکادمی

سفری یک‌دقیقه‌ای به آینده خریدیک پیراهن!

وحید شامخی*

بیااید چنددقیقه‌ای با هم تصور کنیم. تصور کنیم امروز می‌خواهیم یک پیراهن جدید بخریم. عینک واقعیت افزوده‌مان را به چشم گذاشته، در کمد لباس‌هایمان را باز می‌کنیم. یکی که برایمان جذاب‌تر است را برداشته و به تن می‌کنیم. خب حالا می‌رویم جلوی آینه! آن را که بهتر است انتخاب می‌کنیم. چند ساعت بعد، زنگ در را می‌زنند و پیراهن را تحویل می‌گیریم؛ با فرض کنید چند وقتی است می‌خواهیم یک میل راحتی به اتاق نشیمن‌مان اضافه کنیم. شاید امروز فرصت خوبی باشد. با گوشی موبایلمان وارد اپلیکیشن مربوطه می‌شویم. فردا روی میل راحتی‌مان نشست‌ه‌ایم و تلویزیون می‌بینیم! اینها آینده دور نیستند. آینده نزدیک‌مان هستند و همین الان نیز بعضی از شرکت‌های دنیا در حال تست چنین نحوه فروشی هستند. برای مثال شرکت سوئدی ایکا (IKEA) که به لوازم خانگی مشهور است، چندسالی است که اپلیکیشنی درست کرده است و دقیقاً همان کار چند خط بالا را انجام می‌دهد. می‌توانید لوازم خانگی جدیدتان را به‌صورت مجازی در خانه خودتان ببینید و تصمیم بگیرید که می‌خواهید یا خیر؟ جالب است که تا پیش از این، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغاتی شرکت ایکیا، کاتالوگ‌های تبلیغاتی چاپی محصولاتش بود. سالی حدود ۲۱۰ میلیون نسخه به بیش از ۶۰ زبان دنیا (این بیشترین تعداد نسخه چاپی از یک آگهی در دنیا است)؛ با فروشگاه‌های مشهور سفورا (Sephora) که عمدتاً لوازم آرایش می‌فروشد، به کمک ابزارهای واقعیت افزوده، اپلیکیشنی درست کرده‌اند که خانها می‌توانند لوازم آرایش موردنظر خود را روی صورت خود تصور کرده و اگر رضایت‌بخش بود، سفارش دهند! خیلی با امروز فاصله ندارد زمانی که هرکس اتاق پرو شخصی خودش را در خانه‌اش دارد و هر چقدر بخواهد می‌تواند لباس پرو کند! کسی هم در نمی‌زند که خانم/ آقا ما هم منتظریم‌ها، زودباش! یا لازم نیست همه میل‌فروشی‌ها را زیرورو کنیم تا آخر ما بشک تردید، مدل و رنگ دلخواهمان را که با لوازم دیگر همخوانی داشته باشد، بپاییم و سفارش دهیم. آخر هم سر اینکه آن چیزی که در مغازه بود متفاوت است با این، ذهنمان مغشوش شود! زندگی ما در حال تغییر و تحول جدی است. دیگر لازم نخواهد بود قیمت اجناس را از مغازه‌به‌بیرسیم چون روی گوشه‌ی، عینک یا لنزهای هوشمند آینده نشانمان می‌دهد. لازم نیست بیرسیم آنها که حراج شده است کدام قسمت هستند یا... پس اگر می‌خواهیم در حوزه فروش پوشاک، کیف، کفش، عینک یا مبلمان منزل سرمایه‌گذاری کنیم یا بیشتر سرمایه‌گذاری کنیم، بهتر است کمی بیشتر تأمل کنیم. شاید بهتر باشد به‌جای سرمایه‌گذاری روی شکل‌های سنتی و قدیمی فروش این اجناس، به روش‌های جدیدتر بپردازیم. جالب است که در همین شهر تهران، تعداد پاساژهای تجاری در منطقه‌های گران‌قیمت شهر، رو به فزونی است و بخش قابل توجهی از آنها به فروش لباس، کیف، کفش و... اختصاص دارد.

خوبی بعید است سرمایه‌گذاران چنین پروژه‌های عظیمی، بتوانند بازگشت سرمایه کوتاه‌مدتی داشته باشند. درنتیجه ممکن است به افق ۱۰ یا ۱۵ ساله سرمایه خود اندیشیده‌اند که در این صورت، از آنجا که ممکن است تا ۱۰ یا ۱۵ سال آینده، چنین فروشگاه‌هایی بی‌معنی باشند، به احتمال زیاد این سرمایه‌گذاری اشتباه بزرگی خواهد بود. حرف آخر اینکه، در یکی، دو دهه اخیر، فروش اینترنتی کالا به‌شدت گسترش یافته است و در کشور ما هم هر روز فروشگاه‌های اینترنتی جدیدی شکل می‌گیرند. اما امروز، روند جدیدی پرشورتر و پربرنک‌تر می‌شود و آن استفاده از گوشی‌های موبایل برای خرید و حتی دستیارهای مجازی (مثل سیری اپل، دستیار گوگل، الکسا آمازون یا کورتانا مایکروسافت) برای تجربه خرید لذت‌بخش، آسان و سریع است!

«مشاور مدیریت استراتژیک

سلام به فردا

نقدپذیری دولت یک مطالبه عمومی است

نشود. مردم نقد می‌کنند و نقدهای سازنده آنها باید در جامعه و تصمیم‌گیری مسئولان نمود داشته باشد تا آنها حسن کنند و باور کنند که جدی گرفته شده‌اند. دولت برای بدل‌کردن این نقدهای سازنده به راهکارهایی برای درمان مشکلات جامعه، نیاز به تیم آسیب‌شناسی و حل مسئله دارد. کارکرد این تیم، ورود به مسائل از دریچه مردم است؛ این کارشناسان در حوزه‌های تخصصی خود، نقدهای مردم را می‌شنوند و با ابزارهای علمی و داده‌های آماری خود به حل مسئله می‌انديشدند. این چنین است که زمینه مشارکت اجتماعی فراهم می‌شود؛ مردم دیده‌بانان دولت می‌شوند و از نقاط مختلف کشور، به دولت گوش‌زد می‌کنند که در چه بخش‌هایی، چه تدارکاتی برای حل آسیب‌های منطقه‌ای و بومی و ملی باید در نظر گرفته شود. این داده‌ها را کارشناسان به زبان اجرایی بدل می‌کنند و در اختیار مقامات اجرایی کشور قرار می‌دهند و در نهایت این مردم هستند که بیشتر از می‌کنند. توانسته‌اند انتخابی داشته باشند که بیش از پیش به آنها در حل مسائل و مشکلاتشان کمک کند.

نکته

همه آدم‌ها «بشر» هستند، اما بعضی آدم‌ها «بشر» ترند!

نشان می‌دهد که سببیت و وحشیگری پاره‌ای از افراد بشر، باوجود تصویب اعلامیه‌ها و عهدنامه‌ها و ... پیش‌گفته کاشش نیافته و با اینکه موضوع و قربانی این وحشیگری‌ها همواره آحاد «بشر» هستند، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، در قبال این رویدادها رویکرد و عکس‌العمل یکسانی ندارند. تکرار وقایع به‌گونه‌ای است که تقریباً هرگز جهان از چنین حوادثی خالی نمی‌ماند. رواندا، سربرنیتسا، کوزوو، افغانستان، عراق، سوریه،کردستان و حالا میانمار(برمه). تجسم آنچه بر آحاد بشر گذشته است، تن را به لرزه می‌آورد و دل را به درد. در این میان موضع‌گیری دولت‌ها و جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی نیز جالب است. برخی از این فجایع در حضور مأموران سازمان ملل رخ داده و در بعضی دیگر سازمان ملل و جامعه جهانی، آنچه را واقع پیش‌بینی می‌کرده‌اند و بعضاً ناظر واقعه بوده‌اند. این در حالی است که در موارد دیگری به محض ظاهرشدن اولین نشانه‌های بروز مشکل، کشورها و دولت‌های ذی‌نفع- با ظاهر ذی‌نفع- اقدام به «شون‌کشی» و مسئله را پیش از طرح‌شدن حل کرده‌اند.

این مجموعه ما را به این نتیجه می‌رساند که هرچند ظاهراً اعلامیه حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی عام‌الشمول هستند و احکام آنها همه آحاد بشر را در بر می‌گیرد، اما در عمل بعضی از انسان‌ها، در برخی موارد، مشمول این ضوابط نمی‌شوند. گاهی دولت‌ها رأسا یا سازمان ملل به استناد فصل هفتم منشور ملل متحد، در اجرای مواد ۳۹ تا ۵۲ منشور، اقداماتی از قبیل دخالت بشردوستانه و عملیات پیشگیرانه و امثال اینها را انجام می‌دهند و گاهی با ضایا چنان برخورد می‌کنند که گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است.تجربه نشان داده که در گرینش یکی از این دو روش، وجدان عمومی جهان و کرامت انسانی و مقولاتی از این قبیل مطرح نیست. به یاد بیاوریم استفاده عراق از این قیل‌های شیمیایی علیه ایران و اعتراض و فریاد و فغان ایران را که در زمان وقوع حملات به هیچ نتیجه‌ای نرسید و فقط پس از بیست و چند سال تأیید شد!! حال آنکه کاربرد سلاح شیمیایی علیه نظامیان جنایت جنگی و علیه غیرنظامیان جنایت به‌شريت بود و هست.

۶) آنچه اکنون در میانمار می‌گذرد نیز مصداق و مثالی است برای آنچه گفته شد. البته دولت برمه و رئیس محترمه نوبلیست آن مرهون مفهوم مبهم و کندار تروریسم و تروریست هم هستند که وسیله‌ای است برای توجیه اقدامات غیرانسانی و گاه نابخردانه. وقتی آتقای ترامپ با بهره‌برداری از این مفاهیم تعریف‌شده، اسلحه می‌فرشد و زیر تعهداتش می‌زند و مؤید به تأیید «نوبل» هم نیست، چرا کسی که جایزه نوبل هم دارد، در موقعیت استفاده بهینه نکند و پیرزنان و پیرمردان و بچه‌های مسلمان را تروریست نخواند؟ کسانی که گویا کمتر از دیگران «بشر» هستند!

۷) کسی گفته بود «ملتی که آزادی را فدای امنیت می‌کند، نه لیاقت آزادی را دارد و نه شایسته داشتن امنیت است». این گفته البته زیباست و این پرسش را که چرا بعضی ملت‌ها وجود زمامداران ظالم و حتی «خل و جل» را تحمل می‌کنند، در ذهن زنده می‌کند. اما دیدن مردمی که هیچ پناهی ندارند و با به‌دوش کشیدن کودکان و پیران خود، برهنه و گرسنه به این سو و آن سو می‌گریزند، شاید نه دفاع‌اما توجیهی باشد برای این رفتار شگفت‌انگیز بعضی ملت‌ها. بنابراین شاید بتوان گفت اینکه «همه آدم‌ها بشر هستند»، درست است، اما گویا بعضی از آدم‌ها کمتر از دیگران و برخی دیگر بیشتر از دیگران «بشر» هستند! والله اعلم

پیشنهاد

اهدای «نشان صلح» به ۴ هنرمند

شهروبر از چهار چهره هنری کشور در عرصه هنرهای تجسمی، موسیقی، ادبیات و تئاتر و یک فعال اجتماعی در زمینه فعالیت‌های بشردوستانه با اهدای نشان صلح تجلیل می‌شود.

پنجمین جشنواره بین‌المللی «هنر برای صلح» به چهار هنرمند و یک فعال در زمینه فعالیت‌های بشردوستانه، نشان صلح اهدا می‌کند. به رسم همه‌ساله جشنواره «هنر برای صلح»، عصر روز پنجشنبه ۲۳



بهمن کشاورز

۱) یادش بخیر، «جورج اورول» نویسنده‌ای که «قلعه حیوانات» را نوشت، که آنچه در آن می‌گذرد را در همه جوامعی که تحت سلطه دیکتاتورها و دیکتاتوری هستند، می‌توان دید، در کتاب دیگریش (۱۹۸۴) که «حاوی پیشگویی‌هایی اعجازگونه است، شعاری را از قول برادر بزرگ‌تر، با همان دیکتاتور ارشد، نقل می‌کند: «همه مردم برابرند؛ اما بعضی مردم برابرترند»؛ در این بیان طنزگونه مفهومی بسیار جدی نهفته است و فرد منصف در همه‌جا جلوه‌های گوناگون آن را می‌بیند.

۲) داستان «حقوق بشر» اما چنان مقوله‌ای است که اگر توقع داشته باشیم این شعار در آن جایی نداشته باشد، شاید چشمداشت چندان بی‌جایی به نظر نیاید. زیرا پس از تدوین و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، مشخص شد که مفاد آن با آموزه‌های اصلی بسیاری – و شاید همه- ادیان و ایدئولوژی‌ها و نظام‌های فلسفی، به طور کلی، سازگار است و حداقل این است که آن اعلامیه با این آموزه‌ها مخالفت و معارضة آشکاری ندارد.اگر فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را- که درباره حقوق ملت است- با اعلامیه جهانی حقوق بشر و ميثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی مقابله و مقایسه کنیم، موارد تشابه و انطباق بسیار و نمونه‌های افتراق و تفاوت را اندک خواهیم یافت. به‌همین‌جهت وقتی تعدادی از کشورهای اسلامی، «اعلامیه حقوق بشر اسلامی» را تدوین کردند، بسیاری از صاحب‌نظران خرده گرفتند که «مگر چند نوع بشر داریم؟» حاصل اینکه در عالم نظر و معنی، ظاهراً آحاد بشر حقوق یکسانی دارند و کمتر کسی به خود اجازه می‌دهد چیزی غیر از این بگوید.

۳) اما در حیطه عمل و واقعیت، چیز دیگری است. تا پیش از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر – هرچند متون مشابهی پس از انقلاب فرانسه و بعدها در اعلامیه استقلال ایالات‌متحده آمریکا و شاید پیش از آن در «ماگناتکا‌های بریتانیا تنظیم و منتشر شده بود- اما هرگز نمایندگان اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در جایی گردهم نیامده بودند که بگویند: «ما مردم ملل متحد با بقیه به محفوظ‌داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ ... و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش انسانی و به تساوی حقوق بین‌مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ و به ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام الزامات ناشی از عهدنامه‌ها ... مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی کنیم و...» و هرگز همین «تشریک مساعی» به تدوین سندی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد آن را «آرمان مشترکی بین تمام مردم و کلیه ملل» اعلام کرده است، منتهی نشده بود. با این مقدمات و حوادث و وقایع وحشتناک و نفرت‌انگیزی که منتهی به تنظیم و تصویب این اسناد و تشکیل این سازمان عریض و طویل بین‌المللی شد، توقع معقول این بوده و هست که دنیا ناظر نسل‌کشی و کشتار دسته‌جمعی و قتلارها و حرکاتی که با آگاهی از آنها انسان، با اینکه نه در وقوع و تحقق آنها نقشی داشته و نه برای جلوگیری از وقوعشان توان و امکانی، دچار شرمساری و سرافکنندگی می‌شود و از انسان‌بودن خود احساس خجالت می‌کند، نباشد. اما آیا چنین است؟

۴) وقایعی که به‌طور مداوم در جای‌جای جهان رخ می‌دهد و برخورد و عکس‌العمل دولت‌ها و حتی سازمان‌های بین‌المللی در قبال این رویدادها